

## استعاره های معمارانه در قرآن

از عنوان فوق شاید تعجب کنید! حق هم دارید تعجب کنید؛ حتماً از این نسبت‌های ناچسب آنقدر شنیده‌اید که خسته شده باشید. اما ضرر ندارد یکبار هم شده، به قلمی که نان معماری را خورده! نگاه کنید، قلمی که مدعی نیست دین برای آموزش علم و هنر و حرفه، از جمله معماری و شهرسازی و اقتصاد و صنعت نازل شده است، اما استفاده‌ی ابزاری از تکنیک‌های ادبی مانند تمثیل، تشبیه، تجسیم و تصویر را در مضامین دینی امری طبیعی می‌داند.

درست است که کار دین عمدتاً خداشناسی و تدارک آخرت است، اما ناچار است برای تفهیم منظورهای هدایتی خود از امور و اشتغالات روزمره و از کلمات عادی مردم کوچه - بازار عاریه بگیرد و در قالب به اصطلاح "استعاره" ( Metaphor ) با مخاطبانش ارتباط برقرار کند.

به تعبیر ارسطو، استعاره استفاده از الفاظ در غیر از معنای حقیقی آن است که نه تنها در ادبیات، بلکه در بسیاری از رشته های علوم کاربرد گسترده دارد. وقتی واژگان یک زبان و فرهنگ لغات آن برای بیان پدیده‌ای فراتر از آب و نام و کسب و کار توده های مردم کم بیاورد و دچار فقر لغوی گردد، به دامان استعاره پناه می‌برد، اگر از زمان بطلمیوس صورت های فلکی را برای بیان وضعیت ستارگان تعرف می‌کردند، امروز نیز از شیوه‌ی استعاره برای معرفی تحولات عظیم کیهانی مثل حفره‌ی سیاه ( Black Hole )، گول سرخ (Red Giant)، کوتوله‌ی سفید (White Dwarf)، چشم گربه ( Cat's Eye Nebula) و امثالهم استفاده می‌کنند.

"پال ریکور" (Paul Ricoeur) برجسته ترین نظریه پرداز و ادیب و فیلسوف هرمنوتیکی ( Hermeneutics ) قرن بیستم فرانسه، با رد پیش فرض‌های ادبی قدیم، که استعاره را فقط برای تزیین گفتار یا نوشتار می‌شناختند، این شیوه را راه جدیدی برای فهم مفاهیم عمیق تر موضوعات علمی، هنری، معنوی و متون دینی می‌نامد که با وارد کردن معانی جدیدی در ذهنیت انسان، فرهنگ لغات را بارور می‌سازد.

قرآن نیز از این قاعده مستثنی نیست و از کسب و کار و تجارت، کشاورزی، دامداری و... حتی از میل به شراب و هوس حوری و شوق باغ و بوستان، که در ذهن و زبان بسیاری از مردم جای‌جدا دارد، به کرات در مقام تمثیل و استعاره برای اهداف بالاتری استفاده کرده و با غنی سازی بار معنوی آن کلمات، معانی بس عمیق تر و متعالی‌تری به آن‌ها بخشیده است. پس جای تعجب نیست اگر می‌بینیم در قرآن حدود یک‌صد بار از "مثال" و صنعت ادبی تمثیل استفاده شده است و فرضاً برای تفهیم عمیق ناپایداری تکیه به طاغوت های قدرت و ثروت روزگار، از اسارت در دام و تار "خانه‌ی عنکبوت" نشانه آورده است.

از جمله این موضوعات، "معماری" است؛ بنایی و ساختمان‌سازی از قدیم مورد نیاز بوده و واژه‌های مرتبط با آن در زبان مردم جریان داشته است، از این روی استفاده از استعاره‌های معماری برای انتقال ذهن به مفاهیمی عمیق‌تر کاملاً طبیعی بوده است. نگاهی گذرا به متن قرآن ما را با فهرست این واژه‌ها آشنا می‌سازد:

شالوده و پی ساختمان (اساس - قاعده)، ستون (عمد)، دیوار (جدار)، سقف (پوشش خارجی)، در (باب)، پلکان (معارج)، بناهای چندطبقه (غرفات)، خانه (بیت، عمارت، بنا، بنیان)، ارگ، دژ و بارو (حصن، حصار، سور)، همچنین: مبلمان (ارائک)، تزیینات خانه (زُخرف) و... که به ترتیب به شرح آن‌ها می‌پردازد:

### ۱- شالوده و پی ساختمان (اساس و قاعده)

تنها ساختمان های سنگین ظاهری نیست که استقرار و دوامش به اساس و پی‌سازی مطمئنی وابسته است، تصمیمات سرنوشت سازی که در زندگی اتخاذ می‌کنیم نیز "اساس"ی هستند که زندگی خود را بر آن بنا می‌کنیم؛ انتخاب رشته‌ی تحصیلی، انتخاب همسر، انتخاب شغل، انتخاب دوست و همکار، یا هدف و آرمانی که بر می‌گزینیم، تماماً به نیت و

نگاهمان، که همان اصل و اساس بنای کارمان است، ارتباط پیدا می‌کند. همچنان که بناکردن ساختمان بر زمین‌های سست و لبه‌های ریزشی موجب فروپاشی بنا می‌گردد، بناکردن بنیادهای دیگر زندگی بر شالوده‌های سست و نیازموده آنها ویران می‌سازد.

ساختمان‌های سنتی را در قدیم بر شالوده‌ی "گل و آهک"، و امروز بر "بتن آرمه" بنا می‌کنند تا ساختمان استقرار پیدا کند. بناهای غیرمادی زندگی ما نیز نیازمند اساس و پایه‌ای محکم اند که اتفاقاً آنها نیز بر دو عنصر استوار می‌مانند؛ قرآن این دو عنصر را "تقوا و رضوان" نامیده است؛ تقوا، که معنای ریشه‌ای آن در زبان عربی "ترمز" است، پرواپیشگی و عامل کنترل خودروی نفس در سرازیری‌ها و سرعت‌های غیرمجاز و چراغ قرمزهای غریزاست.

ایستادن در برابر چراغ قرمز، یک راه سلامت است؛ راه دوم گاز دادن و حرکت در مسیر درست است که چراغ سبز یا "رضوان" رب محسوب می‌گردد. این دو عامل "نابایدها و بایدها"ی نظام ساختمان نفس در آیین نامه آفریدگار آن است. نگاه کنید به تمثیل آن در قرآن:

مثال اول- این مثال به دنبال ماجرای ازدو نوع مسجد سازی؛ به نیت‌خدائی، و دیگری به نیت‌های تفرقه‌انگیز و ایجاد پایگاه برای گروه و جریان خود آمده است و دو نوع شالوده را، حتی برای یک کار به ظاهر خدایی نشان می‌دهد:

" آیا کسی که شالوده (اساس کار) خویش را بر (دو عامل) پروی از خدا و خشنودی (او) بنا کرده است بهتر است، یا آنکه شالوده‌ی خود را بر لبه پرتگاهی فرو ریختنی قرار داده است که در آتش دوزخ سقوط نماید؟! ... شالوده‌ای که بنا نهاده اند، پیوسته (به جای آرامش) موجب نا آرامی دلهاشان می‌گردد، مگر آنکه دلشان به کلی (از آن وابستگی‌ها) بریده گردد و خدا دانای حکیم است.<sup>۱</sup>

مثال دوم: در این مثال از سقف سنگین "تکبر" و سرسنگینی کسانی سخن می‌گوید که باید حامل بارگناه خود و کسانی باشند که گمراهشان کرده اند. مسلماً وقتی بارگزارِ سقف از حد قابل تحمل تجاوز کرد، پی و پایه‌ها از هم گسیخته می‌گردند و سقف بر سر ساکنانش فرو می‌ریزد:

" آنها باید روز رستاخیز تمامی بار خویش و بخشی از بار کسانی را که گمراه کرده اند حمل کنند، چه بد باری حمل می‌کنند! پیش از آنها نیز کسانی مکر و حيله کردند ولی (در نظام علت - معلولی خداوند) مکرشان بر "قاعده"ی بنیان خودشان (شالوده و اساس بنا) فرود آمد و سقف (سنگین تکبر) از فرازشان بر آنها فرو ریخت و عقوبت (آثار اعمالشان) از جایی که هرگز تصور نمی‌کردند سراغشان آمد.<sup>۲</sup>

## ۲- ستون (عمد)

هر بنایی را پایه‌هایی برپادارنده است، همچون ستون‌های بنای تخت جمشید. قرآن نیز به شهر "إرم" پایتخت قوم "عاد" با ستون‌های بلند آن اشاره کرده است (فجر ۷). اما ستون‌ها همیشه دیدنی نیستند، عوامل برپا دارنده‌ی هر سیستمی نیز ستون محسوب می‌شوند. مانند نیروی جاذبه یا مانند رشته‌ی تسبیح یا مروارید گردن بند که ستارگان را در نظام کهکشانی نگه داشته است<sup>۳</sup> صفات زشت یا زیبایی آدمی نیز بر ستون‌هایی از عملکرد تدریجی بنا شده است که سرنوشت او را می‌سازد. قرآن اندیشه و عمل مال‌اندوزان عیب‌جوی و طعنه‌زن به مردم را به "ستون"‌های سر به فلک کشیده‌ای از آتش حقد و حقارت که از دل‌هایشان طلوع می‌کند تشبیه کرده است.<sup>۴</sup>

## ۳- دیوار (جدار، سور، حصار، برج)

دیوار، حریم خانه را تعریف می‌کند که لفظ عربی آن "جدار" است.<sup>۵</sup> قلعه‌ی محافظتی دور شهر (یا سیلوی نگهداری گندم) را نیز قرآن "حصن" نامیده است.<sup>۶</sup> ولی از مفهوم حریم و حفاظت که در این لفظ حقیقی وجود دارد، به صورت مجازی و در مقام استعاره، در توصیه به عفت در "اخلاق جنسی" یا تشکیل حلقه‌ی خانواده استفاده کرده است.<sup>۷</sup>

"سور" (دیوار، حصار، قلعه) واژه‌ی دیگری در این زمینه، است که پیرامون چیزی را می‌بندد، در زبان عربی، به حلقه، گوشواره، دستبند، گردن‌بند و بازوبند که دایره‌وار اند، "اسوره" (یا اساور) می‌گویند که از همان ریشه‌ی سور می‌باشد.<sup>۸</sup> بخش‌های متنوع قرآن را از این جهت "سوره" نامیده‌اند که هر کدام را دایره موضوعی مستقلی از هم جدا کرده است.

ما آدمیان نیز در عین حال که با هم زندگی می‌کنیم و در دانشگاه و محل کار و اتوبوس و غیره در کنار هم می‌نشینیم، هر کدام برای خود دنیایی داریم و حصارهای پیرامون خود کشیده ایم که ما را از هم جدا می‌سازد. قرآن از این جدابودن‌های حقیقی که سرنوشت‌های متفاوتی را رقم می‌زند، برای به‌تصویرکشیدن مجازی جدابودن انسانها در آخرت - برحسب آثار اعمال آن‌ها - هر چند در دنیا کنار هم می‌زیستند، از همان کلمه‌ی "سور" استفاده کرده است:

"روزی که مردان و زنان دورو به مومنان گویند: نظری به ما بیفکنید تا از نورتان روشنی گیریم، گفته میشود به (دنیای پشت سرتان) برگردید و نور را از آنجا بجوید، آنگاه میانشان سُوری (حصاری) حایل گردد که دري دارد؛ درون آن رحمت و برونش زحمت است (نماد دورویی خودشان)، گویند: مگر ما در دنیا کنار شما نبودیم؟ گویند: بلی، ولی شما خود را به فتنه انداختید و امروز فردا کردید و در شک و تردید افتادید و آرزوها فریبتان داد و..."<sup>۹</sup>

#### ۴- سقف

سقف خانه که ما را از باد و باران و سرما و گرمای خورشید حفظ می‌کند نماد حقیقی سرپناه و پوشش است، همچنان‌که اتمسفر زمین "سقف محفوظی" است که حیات زمینی را در برابر سنگ‌های سرگردان، اشعه‌ی ماوراء بنفش و انواع اشعه‌ها و عناصر زیان‌آور کیهانی حفظ می‌کند.<sup>۱۰</sup> معنای مجازی آن را در انواع سرپناه‌های ثروت و قدرت که زیر آن زندگی می‌کنیم می‌توان دریافت، در مورد سرپناه‌های بی‌پایه و بی‌اساس که بر سر ساکنانش سقوط می‌کند، در بند اول سخن گفتیم.

#### ۵- در (باب)

معنای حقیقی "باب" همان وسیله ورود به خانه و حریم خصوصی یا عمومی است. اما معنای مجازی آن بسی گسترده‌تر است، مانند باب مذاکره با کسی را باز کردن، باب صلح را بستن و... گشودن باب، یعنی رفع مانع و اجازه‌ی عبور از مرز یا محدوده و ورود به حریم. مثل ویزای ورود به کشور، پذیرش دانشگاه، بلیط ورود به سینما و... که تماماً نیازمند صلاحیت‌ها و سوابق و هزینه‌هایی است که شخص باید پرداخته باشد.

در قرآن بارها از درهای بهشت و جهنم به گونه‌ی استعاره استفاده شده است که بیانگر مکتسباتی است که چنان درهایی را به‌روی آدمیان می‌گشاید یا می‌بندد.<sup>۱۱</sup> همچنین است باز یا بسته شدن درهای رحمت الهی به روی مردمان صالح یا ناصالح.<sup>۱۲</sup> البته بستن درهای رحمت برای تنبیه و هشدار منحرمان است تا به خود آیند و تغییر شیوه دهند، این تدبیر موقتی و نوعی رحمت است، اما اگر تغییر شیوه ندهند، خداوند به‌کلی آذیشان می‌گذارد و درهای گمراه‌کننده‌ی دل‌خواهشان را بر آن‌ها می‌گشاید.<sup>۱۳</sup>

راه حل مسایل نیز بابی است برای گشودن مشکلات، سال‌هاست که جوامع اسلامی بر تشخیص روعیت هلال ماه در آغاز و انجام رمضان اختلاف دارند، در قرآن برای فهم این مسئله توصیه کرده از درخانه وارد شوید، نه از دیوار! آیا باب دقیق

تشخیص هلال ماه جز از طریق محاسبات نجومی که وضعیت ماه را در هر نقطه‌ی زمین و در هر ساعتی تعیین می‌کند ممکن است؟<sup>۱۴</sup>

#### ۶- راه پله (معارج).

پلکان وسیله‌ای است که با آن بالا می‌روند، این معنایی مادی و حقیقی است که در قرآن هم به آن اشاره شده است (زخرف ۳۳... خانه‌هایی با سقف‌های سیمین و پله‌هایی که بر آن بالا می‌روند)، اما بالا رفتن و اوج گرفتن، با سبک یا سبک‌بال بودن نیز حاصل می‌شود. مانند بالا رفتن ذرات بخار آب یا پرواز پرنندگان به آسمان. مانع پرواز "جاذبه" است، پس با سبک شدن از انواع جاذبه‌های مادی و معنوی می‌توان به آسمان عروج کرد. قرآن به شکل استعاره از این مفهوم در عروج روح و فرشتگان و امر خداوند استفاده کرده است.<sup>۱۵</sup>

#### ۷- بناهای مرتفع و چندطبقه (غرفات).

"غرفه" به بنای عالی و مرتفع، یا قسمت‌های بلند و مخصوص اطاق پذیرایی گفته می‌شود که جمع آن غُرُفات است. قرآن از این لفظ حقیقی، به صورت مجازی و استعاره برای نشان دادن جایگاه معنوی پرهیزکاران در بهشت استفاده کرده است (۱۶)، آن‌هم نه در یک ارتفاع مقامی، بلکه ارتفاعاتی متناسب با احسان هر کس. به تعبیر قرآن، "پرهیزکاران را نزد پروردگارشان غرفه‌هایی است که بر فرازش غرفه‌هایی بنا شده است (طبقاتی بالای هم)..."<sup>۱۷</sup> معنای ریشه‌ای غَرْف، برداشتن آب با دست است، پس دستاورد هر کس طبقات بنای سرنوشت او را می‌سازد.

#### ۸- خانه (بیت، عمارت، بنا، بنیان).

کلمه‌ی "بیت" با مشتقاتش ۷۰ بار در قرآن تکرار شده است. بیت مسکنی است که معمولاً شب را در آن به استراحت می‌پردازند، مفهوم مجازی این کلمه جمع کردن زیر یک سقف یا یک موضوع است، مانند بیت شعر که کلمات و حروف را با هم جمع می‌کند. قرآن از خانه‌ی عنکبوت نیز یاد کرده است که سست‌ترین خانه‌ها (بیوت) است.<sup>۱۸</sup>

در قرآن از کلمات عمران، عمارات و تعمیر هم استفاده شده است،<sup>۱۹</sup> که آبادانی و "عمر" بخشیدن به زندگی و بناهای آن است. مراسم "عمره" نیز استمرار و عمربخشیدن به مراسم حج در طول سال است.

#### ۹- بنا، بنیان، بنا

عنوان مهم دیگر، مشتقات بنا، مانند بناء، بنیان و مبنیه است که مفهوم بالا آوردن و ساختن دارد. قرآن جو زمین و کل عالم کهکشان‌ها را بناشده شمرده است و می‌دانیم عناصر این جو با فعل و انفعالات خاصی از زمین برخاسته و بنا شده‌اند و کل عالم از نقطه‌ای بسط یافته است.<sup>۲۰</sup> قرآن از این معنای حقیقی، به صورت مجازی در بنای معنویات استفاده کرده است.<sup>۲۱</sup>

#### ۱۰- تزیینات ساختمانی.

آخرین نکته اشاراتی است که در قرآن به انواع تزیینات و تجهیزات درون ساختمان شده است، اصلاً سوره‌ای در قرآن به نام "زخرف" (تزیینات) آمده که در آیات ۳۳ تا ۳۵ آن به سقف‌های نقره‌فام، پلکان، درهای متعدد، تکیه‌گاه‌ها (میلان) و انواع تزیینات اشاره شده، که البته تماماً بهره‌مندی‌های دنیایی شمرده شده است.

- ۲- نحل آیات ۲۵ و ۲۶-
- ۳- لقمان ۱۰ و رعد ۲.
- ۴- همزه ۱ تا ۸-
- ۵- كهف ۷۷ و ۸۲ ، حشر ۱۴-
- ۶- حشر ۲- يوسف ۴۸
- ۷- نور ۳۳ و نساء ۲۵ .
- ۸- كهف ۳۱، زخرف ۵۳، حج ۲۳، فاطر ۳۳ و انسان ۲۱.
- ۹- حديد آیات ۱۳ و ۱۴ .
- ۱۰- انبياء ۳۲
- ۱۱- حجر ۴۴، نحل ۲۹، زمر ۷۱ تا ۷۳، ص ۵۰، مومن ۷۶،
- ۱۲- انعام ۴۴، اعراف ۴۰، مومنون ۷۷.
- ۱۳- انعام ۴۴ و مومنون ۷۷
- ۱۴- بقره ۱۸۹ .
- ۱۵- معارج ۴، سجده ۵
- ۱۶- فرقان ۷۵، عنكبوت ۵۸، سبا ۳۷.
- ۱۷- زمر ۲۰.
- ۱۸- عنكبوت ۴۱.
- ۱۹- توبه ۱۷ تا ۱۹، روم ۹.
- ۲۰- نباء ۱۲، ق ۶، نازعات ۲۷، مومن ۶۴.
- ۲۱- زمر ۲۰، توبه ۱۰۹ و ۱۱۰.